

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یاسر "بدخشان"

۱۱ سپتمبر ۲۰۱۲

بدخشان و سگهای "مارشال" فهمیم

نذیرمحمد که او را به نام جنرال نذیرمحمد در بدخشان می شناسند یکی از قومندانان جهادی وابسته به جمعیت اسلامی افغانستان می باشد. او یکی از اوپاشان پلید ربانی، همنشین بسیار نزدیک «مارشال» قسیم فهمیم و یکی از تروریستان وقاتلان مشهور جمعیت اسلامی در مرکز بدخشان و ولسوالی های یفتل ها به شمار می رود. یا به زبان اخوانی ها «یکی از برادران جهاد و مقاومت بدخشان است» در فیض آباد از افراد عادی تا مردمان مقام دار و سلاح به دست کمتر فردی پیدا می شود که هراس و وحشت از جنرال نذیر محمد نداشته باشد.

جنرال نذیر محمد که فعلاً شاروال فیض آباد "مرکز بدخشان" می باشد یک فرد بی سواد بوده از تعفن و پلیدی هیچ بازی چون «کبک بازی، سک بازی، کفتر بازی، بونده بازی، اسپ بازی، بچه بازی، زنکه بازی، قمار بازی...» میرا نیست. تمام مؤسسات و انجوهائی که در بدخشان فعالیت می نماید برای این که خشم این وحشی را از خود دور کرده باشند ماهانه یک معاش جزیه گونه برایش تعیین کرده اند. افرادی که در پی آر تی بدخشان کاری کنند کلاً به پیشنهاد وی استخدام شده اند. زیاد شنیده شده است که پی آر تی بدخشان ماهانه یکمقدار پول نقد را برایش "جزیه" می دهد و از این رابطه هر که می داند که جنرال نذیرمحمد در عین این که یک مارشال فهمیمی فعال است، جاسوس پی آر تی بدخشان نیز هست. نذیرمحمد با وجودیکه فعلاً شاروال بدخشان است، در سایر امور جاری فیض آباد خود را ذی صلاح دانسته واسطه ای برای حل مسایل هردعوای ولو ناحق می گردد و هیچ قدرت زمینی و آسمانی وجود ندارد که مانع تصمیم گیری و رأی نظر جنرال نذیرمحمد در آن گردد.

جنرال نذیرمحمد هفت زن و بیشتر از ۳۸ پسر و دختر دارد، ولی روز هایش بافاحشه ها و بی ریش بچه ها شام می شود. او در بسیاری از مجالس از این که هنوز تعدادی از فرزندانش را نمی شناسد می بالد. وی با مباحثات اظهار می دارد که در هر پست دولتی «از مقام ولایت تا قوماندانی امنیت» که خواسته باشد وظیفه اجراء کند هیچ مانعی سرراهش وجود ندارد. در شرایطی که مردم بدخشان در فقر مفرط دست و پا می زنند، سگ هایش جگر و اسپ هایش نقل مغزی می خورد. فرزندان وی مانند پدرشان نیز از هیچ نوع پستی و رذالت کم نیستند، قمار بازی، زن بازی، شراب خوری، زورگیری، قتل، راهجوری، تطمیع، لت و کوب جوانان بی کس و بیچاره، تجاوز به دختران و زنان مردم از مصروفیت های روز مره سگ چوپه های او می باشد. توگوئی پا جای پای پدر گذاشته باشند.

جنرال نذیرمحمد ۳۸ فرزند نه که ۳۸ دزد به جامعه تقدیم کرده است. گفته می شود که ۳۰۰ نفر مسلح شب و روز درخوشخانه های نذیرمحمد خوابیده اند که خوراک و پوشاک شان را نذیرمحمد تأمین می کند. او تکیه گاه تمام گروپ های مفت خور، دزد، قاچاقبر، قاتل، فاسد، فاسق و... در بدخشان است. هرگاه یک فرد دست به هر نوع جنایتی که می زند و بعداً به جنرال نذیرمحمد رجوع کند، جنرال از وی حمایت نموده، هیچ ارگانی نمی تواند مقابل تصمیم وی بایستد.

جنرال نذیرمحمد، پسرانش، و قومندانان و افراد مربوط وی مثل مور و ملخ، به جان، مال، ناموس، عزت مردم فیض آباد بدخشان افتاده اند و هیچ ارگانی نیست که صدای مردم بیچاره به خصوص طبقات پائینی جامعه بدخشان را بشنود. جنرال نذیرمحمد از زمانی که شاروال تعیین شده، هرچه ملکیت دولتی بود به فروش رساند. قسمت های زیادی از قبرسان که در شهر کهنه بدخشان قرار دارد، زمینی که ملکیت مکتب شهنة شهید شهر فیض آباد است، زمینی که ملکیت شفاخانه مرکزی بدخشان است، میدان های ورزشی، و... را دکان و نمره حویلی توزیع نمود و از این طریق میلیاردها افغانی به جیب زده است.

این جنرال جهادی به اندازه ای عاری از شرف است که ملکیت هائی را همزمان به چندین نفر به فروش رسانده و پول هر کدامشان را تسلیم شده است. غیر از موجودیت شکایات ناشی از غصب زمین، دکان، حویلی، قتل، اذیت های اجتماعی، جریمه توسط جنرال نذیرمحمد صدها شکایت تجاوز جنسی به بچه ها و دختران فیض آباد بدخشان از جنرال نذیرمحمد، افراد و فرزندان بی شرفش، به اداره امور زنان، حقوق بشر و خانونالی رسیده است که مسئولین این ادارات از ترس جنرال نذیرمحمد جرأت افشاء و تشکیل دوسیه برای وی را ندارند.

شاه ولی الله ادیب والی بدخشان و مجموعه ای از موی سفیدان بدخشان نزد رئیس جمهور و معاونش مارشال فهیم شکایاتی را از جنرال نذیرمحمد پیش میکنند. رئیس جمهور گفت وگو و حل این قضیه را به "مارشال" فهیم راجع می سازد. فهیم برای شان می گوید که هرکس از افراد من شکایت می کند، جنرال یکی از خراباتی ها و درضمن از دوستان بسیاز صمیمی من در بدخشان است. شما از هر که به جز از جنرال اگر شکایت داشته باشید، رسیدگی صورت می گیرد. تیم ساده و پیاده که فکرمی کردند با شکایت کردن از جنرال وی را به راه راست می کشانند، با گوشه های خریطه بدون دست آورد به بدخشان برمی گردند.

در مرکز بدخشان رسانه جمعی، نشریه های نوشتاری، تلویزیون، رادیو نیز وجود دارد و برنامه پخش می کنند. اینها از هر چیزی می گویند و نشر می کنند، مگر از انعکاس مسایل مهم و حیاتی بدخشان طفره می روند و سر باز می زنند و دلیلش هم همان است که گفته شد، در بزرگشویی که سال جاری در میدان بزرگشویی فیض آباد برگزار شده بود، پسر جنرال نذیرمحمد بالای یکی از حریفان پدرش فیرمی کند که در نتیجه شخص بیگناهی به قتل رسیده چند فرد دیگر زخم برمی دارد. تماشای بزرگشویی به هم می خورد و پولیس مداخله می نماید. بعداً از این که دیده میشود پای جنرال در قضیه در میان بوده است، بالای قضیه خاک پاشیده و موضوع سر پوشیده نگه داشته میشود.

در قتل جوانی که گفته می شود با موترش از دشت قرغ می گذشته است و افراد مسلح بعد از این که دوهزار دالرش را از نزدش گرفته اند با کمال ناجوانمردی وی را به قتل می رسانند. بعدها معلوم می گردد که دست افراد جنرال در این قضیه ذی دخل بوده است. قبل از عید پسر جنرال با حاضر باشان قومندان امنیه ولایت بدخشان پرخاش می کند و چند تن شان را زخمی می دارد. محافظین پنجشیری قومندان امنیه بدخشان که خود او هم پنجشیری است و به میخ فهیم می پرد، گمان می کنند که رسیدگی حتمی برایشان صورت می گیرد، ولی به عکس قضیه با معذرت خواستن قومندان امنیه بدخشان از جنرال و پسرانش خاتمه یافته اعلان می گردد.

در فیض شما حق نوشتن و انتقاد کردن از جنایات و پستی های هیچ جنایت کار جهادی من جمله جنرال نذیر محمد را ندارید. دفتر ولایتی "حزب آزادگان افغانستان" که شاخه ای از ستم ملی است و محبوب الله کوشانی رهبران می باشد، تحت فشارهای جنرال نذیر محمد بسته شد. گفته شده است که محبوب الله کوشانی زمین و جای داده‌هایی از پدر در فیض آباد بدخشان داشته است که قبلاً توسطه جنرال نذیر محمد غصب گردیده است و جنرال از ترس از دست ندادن آن، سرکش را با محبوب الله کوشانی می گیرد و این باعث بسته شدن دفتر ولایتی حزب آزادگان محبوب الله کوشانی در ولایت بدخشان می گردد.

بیادداشت:

هموطن عزیز!

ضمن ابراز امتنان از گزارش مبسوط تان به ارتباط یکی از جنایتکاران جهادی، به تأیید گفتار تان باید بیفزائیم: نخست باید گفت، تمام آنچه را شما تذکر داده اید بدون آن که کمترین شکی در صحت آن وجود داشته باشد، با تأسف محدود به فیض آباد و جنرال "نذیر محمد" نمانده، بلکه در سرتاسر افغانستان، در تمام مناطقی که یک تن از خود فروختگان جهادی حاکمیت دولتی را نمایندگی می نماید، اگر نگوئیم اوضاع بدتر از فیض است به جرأت گفته می توانیم از آن کمتر نمی باشد.

ثانیاً باید دانست که تمام آنچه در بدخشان و سایر نقاط افغانستان می گذرد بخشی از نقشه اشغالگران به ارتباط اداره افغانستان می باشد.

تاریخ و تجربه تمام کشور های تحت اشغال به اثبات رسانیده که نیروهای اشغالگر در هر جایی که بوده اند، جهت استقرار حاکمیت استعماری خویش، عوامل اجرائی بومی خود را از بین کثیفترین ترین و بی شرفترین افراد همان جامعه انتخاب نموده اند. چنین انتخابی اگر از یک سو به استعمار این امکان را مساعد می سازد تا از آن افراد ضد مردم حد اعلی استفاده را ببرد از جانب دیگر به صورت غیر مستقیم ضرورت دوام قدرت خود را به مثابه حافظ مردم از شر همچو افرادی در اذهان توده های بی خبر تزریق می نمایند.

بناءً گفته می توانیم مردم به عوض آن که راه علاج را در مراجعه به مقاماتی که حامی، بانی و شریک همچو اشخاصی هستند، می پالند بهتر است از مردم رستاق درس گرفته، با قهر مردمی، خود و ناموس شان را از تطلول دهارة دزدان جنرال نذیر محمد رهانیده نخستین خشت آزادی شان را در رهائی از بند مناسبات استعماری، بگذارند.

شاد و پیروز باشید

اداره پورتال AA-AA